



نتایج اقتصادی یک توافق سیاسی: بررسی ظرفیت‌های اقتصادی عادی سازی روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی

سعید عطار^۱ - مهرداد ابراهیمیان نجف آبادی^۲

چکیده

غرب آسیا، همواره در تحولات سیاسی و استراتژی قدرت‌های جهانی از نقش و اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در این منطقه، کشورهایی با پیوندهای مستحکم اقتصادی اندک و سطح نزاع و کشمکش زیاد حضور دارند. بسیاری از این تنش‌ها، حول محور تشکیل رژیم صهیونیستی یا در روابط این کشور با سایرین بوده است. با این حال، «پیمان ابراهیم» در سال ۲۰۲۰، می‌تواند نشانه‌ای از ورود منطقه غرب آسیا به مرحله جدیدی باشد. در این مقاله، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که عادی سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با رژیم صهیونیستی چه پیامدهای اقتصادی احتمالی برای این کشورها خواهد داشت. مقاله، ضمن بررسی شرایط اقتصادی کشورهای عضو در زمان شکل‌گیری پیمان ابراهیم، این فرضیه را به بحث می‌گذارد که پیمان ابراهیم می‌تواند ظرفیت‌های متعددی را در بخش‌های مختلف اقتصادی برای این کشورها داشته باشد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که این پیمان سیاسی، ظرفیت‌های زیادی برای تحول اقتصادی این کشورها در حوزه‌های هوانوردی غیرنظامی، گردشگری، علم، فناوری و نوآوری، مالی و سرمایه‌گذاری، الماس، صنایع دریایی و انرژی و مراقبت‌های بهداشتی خواهد داشت. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع نوشتاری انجام شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، امارات متحده عربی، بحرین، پیمان ابراهیم، رژیم صهیونیستی

DOI: 10.2783.4999/PRIW.2306.1279.2.25.6

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران
s.attar@yazd.ac.ir

^۲ دانش آموخته ارشد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران
mehrddad.ebrahimian70@yahoo.com

شماره ۲ (۲۵)

سال ۹
تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۴/۰۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۵/۲۴
صص: ۸۳-۱۱۱



مقدمه

خاورمیانه به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، منطقه‌ای مهم است به گونه‌ای که همواره توجه قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کرده است. بسیاری از تحولات خاورمیانه به‌ویژه در قرن بیستم، نشانگر اهمیت زیاد این منطقه برای قدرت‌های جهان است. وجود ذخایر عظیم انرژی در این منطقه و اهمیت این منابع عظیم برای دنیای صنعتی باعث شده تا به اهمیت آن بیفزاید. البته این واقعیت که خاورمیانه بخشی جدایی‌ناپذیر از آسیای رو به رشد است اغلب نادیده گرفته می‌شود (Eric Canal & Narayanappa, 2021: 42).

نگاه قدرت‌های بزرگ به منطقه خاورمیانه، نگاهی انرژی محور است. بر اساس داده‌های بانک جهانی^۱ در سال ۲۰۱۴ منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با ۶۴٫۶ درصد از صادرات سوخت جهانی، رتبه بالایی را به خود اختصاص داده بود؛ هرچند در سال‌های اخیر، از این سهم کاسته شده و در سال ۲۰۲۰ این عدد به ۵۲ درصد رسیده است. خاورمیانه همچنین در مقایسه با سایر مناطق مهم جهان از رشد جمعیت مناسبی برخوردار است. در واقع از آنجایی که جمعیت در رشد و شکوفایی اجتماعی و اقتصادی یک جامعه نقش مهم و حیاتی دارد، خاورمیانه با الگوی رشد جمعیت خود از این مزیت برخوردار است؛ این در حالی است که امروزه نقاط مختلف جهان از کاهش رشد جمعیت و افزایش جمعیت در سن پیری رنج می‌برند. همه این داده‌ها نشان می‌دهند که خاورمیانه به لحاظ نیروی انسانی به‌شدت مستعد توسعه است (ارغوانی پیرسلامی و خوشگفت، ۱۳۹۶: ۸۳). از طرفی، به دلیل نرخ رشد جمعیت این کشورها، میزان تقاضا برای انواع کالاهای مصرفی در حال رشد است. همچنین، بسیاری از کشورهای منطقه نیاز به سرمایه‌گذاری عظیمی در زیرساخت‌های خود دارند و وجود این تقاضا، بازار بسیار مناسبی برای صدور کالاها و خدمات فنی مهندسی فراهم کرده است.

با وجود اینکه در گذشته پیمان‌های درون منطقه‌ای، عمدتاً حول مسائل سیاسی و امنیتی شکل می‌گرفتند، نیازهای اقتصادی رو به افزایش کشورهای منطقه باعث شده تا بیش از گذشته، تعاملات سیاسی میان آنها دارای ابعاد اقتصادی باشد. این به معنای حرکت آرام کشورهای منطقه به سمت بهبود وضعیت اقتصادی به مدد گسترش تعاملات سیاسی منطقه‌ای است و می‌تواند باعث گسترش

1 World Bank

روابط سیاسی باهدف تحقق اهداف اقتصادی شود. به همین دلیل، با اینکه «پیمان ابراهیم»¹ بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و بحرین در سپتامبر ۲۰۲۰، به عنوان پیمانی سیاسی (عادی سازی مناسبات سیاسی و برقراری ارتباطات سیاسی) فهمیده می شود، اما این پیمان دارای ظرفیت های مهمی برای تحول در حوزه اقتصاد این کشورهاست. به نظر می رسد رژیم صهیونیستی بیشتر به دنبال این است تا با افزایش منافع اقتصادی این پیمان، سایر کشورهای عربی منطقه را به عادی سازی روابط سوق دهد و هم زمان با بهبود روابط اقتصادی در زمینه های مختلف، اتحاد میان خود و کشورهای امضاء کننده پیمان ابراهیم را محکم تر کند چنانچه بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در بیانیه ای گفته بود که توافقنامه های صلح تاریخی که ما به دست آورده ایم، به سرعت و با گام های بزرگ در حال تأمین منافع کشورها در حوزه های متعدد است. نتانیاهو با استفاده از یک شعار برای توصیف توافق عادی سازی به عنوان یک تغییر پارادایم از قراردادهای صلح در ازای امتیازات، گفته بود که صلح واقعی به این صورت است: صلح برای صلح، اقتصاد برای اقتصاد (The Times of Israel, 2020) و در جای دیگری گفته بود: منافع اقتصادی بزرگ مشارکت با ما در سراسر منطقه احساس خواهد شد (Kram, 2020).

در این نوشتار تلاش می کنیم با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از منابع نوشتاری به این پرسش پاسخ دهیم که پیمان ابراهیم (عادی سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با رژیم صهیونیستی) چه ظرفیت هایی برای اقتصاد این کشورها دارد. پاسخ به این پرسش، می تواند به فهم زوایای جدیدی از مسیری کمک کند که احتمالاً با پیمان ابراهیم در اقتصاد کشورهای عضو و احتمالاً در کل منطقه شکل خواهد گرفت و آینده منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. اهمیت موضوع به این دلیل است که چنانچه پیمان ابراهیم بتواند علاوه بر گسترش تعاملات سیاسی، به بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای عضو کمک کند، احتمالاً به شکل گیری و تثبیت الگویی از تعاملات گسترده رژیم صهیونیستی با سایر کشورهای منطقه منجر خواهد شد؛ مسأله ای که پیامدهای امنیتی بسیاری برای کشور ما خواهد داشت.

1 Abraham Accords

۱- پیشینه پژوهش

در خصوص روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی در طول ۷ دهه گذشته، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته و هرکدام به‌نوعی سعی کرده‌اند، ابعاد این روابط به‌خصوص از بُعد امنیتی را مورد بررسی قرار دهند؛ اما در خصوص ظرفیت‌های اقتصادی عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی با توجه به‌روز بودن موضوع، پژوهش زیادی انجام نشده است. با این حال، در این بخش به اختصار به این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

امیدی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اقدامات امارات متحده عربی و بحرین در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی» به بررسی دلایل گرایش امارات و بحرین به سمت رژیم صهیونیستی می‌پردازد که از آن جمله به ضعف نظامی و سیاسی امارات به‌عنوان عاملی در ناتوانی این کشور برای ایفای نقش مهم و تأثیرگذار در تحولات منطقه و همچنین چالش‌های اقتصادی پیشروی بحرین و عدم مشروعیت داخلی و تهدیدات خارجی اشاره می‌کند و در واقع مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و امنیتی را از مهم‌ترین دلایل برقراری این صلح سه‌گانه می‌داند. مهم‌ترین تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر، فراتر رفتن از دلایل شکل‌گیری پیمان ابراهیم و تمرکز بر روی ظرفیت‌های اقتصادی آن است.

اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر پیمان ابراهیم بر امنیت ملی ج.ا.ایران از منظر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی» به پیامدهای این پیمان برای امنیت ایران می‌پردازند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که این توافق از طریق شکل‌دهی به یک ائتلاف ضد ایرانی، ضمن برهم‌زدن موازنه قدرت منطقه‌ای، سبب تشدید تقابل ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه شده و از سوی دیگر، دستیابی کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه امارت به تسلیحات پیشرفته غربی و رژیم صهیونیستی را تسهیل کرده است. هرچند یافته‌های این مقاله نشان‌دهنده اهمیت موضوع تحقیق حاضر است اما در این مقاله به یکی از مهم‌ترین پیامدهای پیمان ابراهیم یعنی ظرفیت‌های اقتصادی آن برای کشورهای عضو پرداخته نشده است.

السعید^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «توافقنامه ابراهیم در امارات» ابعاد و اهداف مختلف این توافقنامه را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی معتقد است توافقنامه صلح امارات با رژیم صهیونیستی

1 Alsaied

نه تنها اهداف استراتژیک یا اقتصادی خاصی دارد، بلکه بخشی از مدل اماراتی برای توسعه و نوسازی است. امارات دارای برنامه‌های توسعه بلندپروازانه و آرزوهای جهانی است که در چشم‌انداز امارات ۲۰۲۱ و استراتژی یکصدمین سالگرد ۲۰۷۱ امارات تجسم یافته است و از این رو، این کشور مشتاق ایجاد روابط با کشورهای توسعه یافته‌تر به خصوص در منطقه است. وجه تمایز این مقاله با نوشتار حاضر، تحلیل کلی از ظرفیت‌های توافق ابراهیم بدون توجه به حوزه‌های مختلف اقتصادی و همین‌طور، بدون توجه به ظرفیت‌های اقتصادی آن برای کشور بحرین است.

ایگل^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «سود صلح، گسترش رشد اقتصادی و مزایای توسعه پیمان ابراهیم» به بررسی منافع اقتصادی اعضای شرکت کننده در پیمان ابراهیم پرداخته‌اند. آنها معتقدند این توافقات نشان‌دهنده یک پیشرفت سیاسی-اقتصادی است و نمایانگر یک فصل جدید احتمالی در توسعه منطقه، دوری از درگیری و به سوی یک دیدگاه مشترک از شکوفایی اقتصادی می‌باشد و اگر این روابط جدید به یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تر تبدیل شود، آنها تخمین زده‌اند که منافع اقتصادی برای طرفین در این تلاش می‌تواند قابل توجه باشد. با وجود تمرکز این مقاله بر بُعد اقتصادی پیمان ابراهیم، حوزه‌های مختلف اقتصادی که این پیمان می‌تواند بر روی آنها تأثیر بگذارد، مورد بررسی قرار نگرفته است.

شاتز^۲ (۲۰۲۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «پیمان ابراهیم: محرک‌ها و فرصت‌های سیاسی-اقتصادی» به بررسی ابعاد سیاسی و اقتصادی پیمان ابراهیم و تأثیرات آن بر آینده خاورمیانه می‌پردازد. نویسنده معتقد است اگرچه مناقشه اسرائیل و فلسطین هنوز حل نشده باقی مانده اما صلح گرم در میان شهروندان اسرائیلی، اماراتی و بحرینی می‌تواند امید به موفقیت در صلح سازی را افزایش دهد. توافقنامه ابراهیم با نشان دادن مزایای ملموس اقتصادی، تجاری، بازرگانی و همکاری متقابل، این پتانسیل را دارد که به عنوان پایه‌ای برای یک فرآیند صلح جامع در سراسر منطقه عمل کند. در این مقاله نیز، ظرفیت‌های اقتصادی پیمان ابراهیم به صورت مختصر و بدون تفکیک بخش‌های مختلف، مورد بررسی قرار گرفته است.

1 Egle

2 Schatz

۲- چارچوب مفهومی: همگرایی اقتصادی به کمک گسترش روابط سیاسی

همگرایی مرحله تکامل یافته همکاری است. به عبارت دیگر، مرحله قبل از همگرایی، همکاری (شکلی محدودتر از همگرایی) است و خود همگرایی نیز گونه‌ها و سطوح مختلفی دارد. همکاری در عمل به فرآیندی گفته می‌شود که کشورهای مختلف بدون تقسیم و یا واگذاری حاکمیت خود، بخشی از رفتار خود را با بازیگر دیگر هماهنگ می‌کنند، اما در همگرایی، کشورهای تلاش می‌کنند تا در حوزه‌های مختلف، رفتارهای خود را بر طبق منافع مشترک، با دیگر بازیگران هماهنگ کرده و به صورت مشترک، اقدام کنند. در عالی‌ترین سطح از همگرایی، کشورها به تدریج حاکمیت خود را به ساختار فراملی جدیدی انتقال می‌دهند تا بتوانند به سمت یکپارچگی حرکت کنند (رمضانی و معین‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۳۷-۲۳۴). در همگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف‌زا به نفع اهداف جمعی و مشترک کاسته شود. در روند همگرایی، ملت‌ها و رهبران سیاسی در می‌یابند که تنها در سایه تصمیم‌گیری جمعی و مشارکت در یک نظام همگراست که امکان تحقق منافع ملی در ابعاد مختلف به خصوص در حوزه اقتصادی افزایش می‌یابد.

مباحث مربوط به نظریه‌های همگرایی، انواع گوناگون همگرایی شامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را شامل می‌شوند (Kolaei, 2000: 4). همگرایی اقتصادی میان کشورهای یک منطقه یکی از جنبه‌های اقتصاد بین‌الملل است که اهمیت آن در طی دهه‌های گذشته افزایش یافته چراکه با گسترش تجارت جهانی و افزایش دامنه فعالیت شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی، کشورها در عرصه رقابت و بازاریابی بیشتر به یکدیگر پیوند خورده‌اند. همچنین، از جنگ جهانی دوم به بعد، تعداد کشورهای جهان افزایش یافته و نیازهای اقتصادی واحدهای جدید، موجب اهمیت پیدا کردن همگرایی اقتصادی در تحلیل‌های روابط بین‌الملل شده است. اقتضانات نظام بین‌الملل و درهم‌تنیدگی آن با وابستگی متقابل اقتصاد جهانی که تحت تأثیر جهانی‌شدن اقتصاد بوده، انگیزه‌هایی را برای همکاری‌های گسترده‌تر اقتصادی میان کشورها ایجاد کرده است. به همین دلیل است که در سال‌های اخیر همگرایی اقتصادی به صورت فزاینده‌ای در حال رشد است (رمضانی و معین‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۳۷-۲۳۵).

وجود همگرایی در حوزه اقتصاد، معمولاً به معنای گسترش فرآیندی است که در آن روابط نزدیک‌تری بین واحدهای جغرافیایی مستقل اتفاق می‌افتد. یکی از پدیده‌های بسیار قابل توجه

دهه‌های اخیر در اقتصاد جهانی، همگرایی رو به افزایش اقتصادها در سطح جهان در قالب پیمان‌های سیاسی میان آن‌هاست. اقتصاد جهان، شاهد بین‌المللی شدن روزافزون است که آثار آن را می‌توان در افزایش بازرگانی بین‌المللی، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ ملاحظه کرد. مطالعه نتایج پیمان‌های سیاسی نشان داده که این پیمان‌ها کمک زیادی به گسترش همکاری‌های اقتصادی می‌کنند. با توجه به اینکه در سال‌های پس از پایان جنگ سرد، مسائل اقتصادی و رفاهی جایگزین مسائل سیاسی و امنیتی شده و کارایی زور و خشونت در مناسبات بین‌المللی کاهش پیدا کرده، محیط مساعدی برای افزایش مراودات اقتصادی و وابستگی متقابل اقتصادی میان کشورها ایجاد شده است (سلطانی و صادقی، ۱۳۹۵: ۳-۲). به عبارت دیگر، اولویت پیدا کردن اقتصاد در ملاحظات کلان سیاست خارجی کشورها باعث شده تا پیمان‌های سیاسی علاوه بر اهداف سیاسی و امنیتی‌شان، به‌عنوان ابزارهایی برای گسترش همکاری و سپس همگرایی اقتصادی مدنظر قرار بگیرند. ایجاد چارچوبی از همگرایی اقتصادی یا در سطحی پایین‌تر، ایجاد همکاری اقتصادی به کمک پیمان‌های سیاسی به‌عنوان مدلی برای رشد اقتصادی مطرح است. در این مدل، گسترش تجارت و تنوع در اقتصاد که با افزایش همکاری‌های اقتصادی و سپس همگرایی اقتصادی میان کشورها اتفاق می‌افتد، با کمک پیمان‌های سیاسی ممکن می‌شود. جریان آزاد کالا، سرمایه و نیروی کار در این میان از اهمیت بالایی برخوردار است. تحلیلگران همگرایی اقتصادی این فرآیند را سبب گسترش بازارهای کوچک و رشد از طریق پیوند با اقتصادهای بزرگ‌تر می‌دانند که باعث رفع محدودیت‌های اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته می‌شود (Kolaei, 2000: 5-6).

همان‌طور که بخش‌های بعدی نشان خواهد داد، با بررسی پیمان ابراهیم می‌توان گفت که سه کشور رژیم صهیونیستی، امارات و بحرین در تلاش هستند با انجام پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک، گسترش تجارت و تنوع‌بخشی به اقتصادهایشان، از این پیمان سیاسی (علاوه بر اهداف امنیتی مشترک) به‌عنوان ابزاری برای افزایش همکاری و سپس همگرایی اقتصادی استفاده کنند. از این نظر، پیمان ابراهیم نوعی کاتالیزور برای تقویت همکاری میان آن‌هاست.

¹ FDI

۳- پیمان ابراهیم: پیمانی سیاسی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی

ربع قرن پس از توافق اسلو (۱۹۹۳) که شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسبق رژیم صهیونیستی، آن را پدید آمدن یک «خاورمیانه جدید» جهت ایجاد آشتی و رفاه برای منطقه می‌دانست، پیمان ابراهیم بر بنیان فرضی منافع مشترک استراتژیک، اقتصادی و تجاری بین طرفین بنا شد. امارات و بحرین تحت هدایت ولیعهد محمد بن زاید بن سلطان آل‌نهیان و پادشاه حمد بن عیسی بن سلمان آل‌خلیفه به‌عنوان سومین و چهارمین کشورهای عضو اتحادیه ۲۲ کشوری عرب پس از مصر (۱۹۷۹) و اردن (۱۹۹۴) برای برقراری روابط کامل دیپلماتیک و تجاری با رژیم صهیونیستی اقدام کردند.

این پیمان نه تنها برای صلح و خروج از وضعیت جنگی است (اگرچه تنش نظامی بین دو کشور اتفاق نیفتاده) بلکه توافقی برای عادی‌سازی کامل روابط است. از این نظر، پیمان ابراهیم با توافقات قبلی صلح قبلی رژیم صهیونیستی با همسایگانش یعنی اردن و مصر متفاوت است و همکاری در طیف وسیعی از حوزه‌های غیرنظامی را به امید خنثی کردن تنش‌های احتمالی آینده، عمدتاً با توجه به درگیری رژیم صهیونیستی و فلسطین، ترویج می‌کند و این ظرفیت را دارد که مسیری برای همکاری‌های اقتصادی گسترده و بلندمدت را میان این سه کشور و حتی سایر کشورهای منطقه شکل دهد (EricCanal & Narayanappa, 2021: 48).

پیمان ابراهیم، فراتر از صلح سرد چند دهه گذشته میان مصر و اردن با رژیم صهیونیستی است که با بروز حوادث سیاسی، به تنش‌های لفظی میان این کشورها منجر می‌شد. موقعیت اقتصادی بحرین و امارات به‌عنوان مراکز تجاری منطقه‌ای به این معنی است که این پیمان، تعاملات اقتصادی بین تعداد بسیار زیادی از سرمایه‌گذاران رژیم صهیونیستی و صدها هزار کارگر عرب را ارتقاء خواهد داد؛ بنابراین، پیمان ابراهیم ضعف اساسی دو توافقنامه قبلی را جبران می‌کند (Fiore, 2020). علاوه بر این، معاهدات منعقد شده رژیم صهیونیستی با این کشورها در سه دهه گذشته، سودهای اقتصادی ناچیزی برای طرفین داشته است. بر اساس گزارش بانک جهانی، در سال ۲۰۱۸ صادرات مصر به رژیم صهیونیستی حدود نیم میلیارد دلار و واردات از رژیم صهیونیستی هم کمتر از ۱۱۵ میلیون دلار بوده است. تجارت رژیم صهیونیستی با اردن حتی ناچیزتر از آن و کمتر از ۸۰ میلیون دلار بوده است (Schwartz, 2020).

این پیمان همچنین، زمینه‌های همکاری رژیم صهیونیستی، امارات و بحرین در حوزه‌های سلامت، علم، فناوری، امنیت سایبری، محیط‌زیست، کشاورزی و امنیت آب و غذا و نیز حوزه‌های تجاری مانند هوانوردی غیرنظامی، گردشگری و انرژی را پیش‌بینی کرده و همین‌طور روابط آمریکا با این دو کشور عربی را ارتقاء می‌دهد (Alsaied, 2020:4) و دارای پتانسیل سودآور روابط تجاری و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در طیف وسیعی از بخش‌های تجاری، از حمل‌ونقل هوایی و مالی گرفته تا سلامت و گردشگری می‌باشد. این پیمان همچنین، راه را برای برقراری پروازهای مستقیم، ایجاد ارتباطات مخابراتی، ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ورود به تجارت آزاد که مدت‌هاست زیرزمینی بوده، هموار می‌کند (Schatz, 2020).

با اینکه از آغاز رسمی پیمان ابراهیم زمان بسیار کمی گذشته، میزان حضور سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی کشورهای عضو پیمان در کشورهای دیگر در سال اول چشمگیر بوده که نشان‌دهنده پتانسیل زیاد برای همکاری بیشتر است (Garson, 2021). به دلیل فرصت‌های جدید ایجاد شده توسط پیمان ابراهیم، سرمایه‌گذاران امارات، بحرین و رژیم صهیونیستی مشتاق سرمایه‌گذاری‌های مشترک هستند چنانچه «الداد تامیر»، سرمایه‌گذار برجسته در تل‌آویو، به نشریه اسرائیلی نیکی اینشین^۱ گفته بود: «من معتقدم تناسب اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی بین این کشورها بسیار نزدیک به یکدیگر و کاملاً منطبق است... اسرائیل از نظر منابع طبیعی، فقیر و از نظر فناوری پیشرفته و بیوتکنولوژی غنی است. نوآوری به معنای سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه دائمی است و مراکز فناوری اسرائیلی برای ادامه توسعه به سرمایه‌گذاران جدید نیاز دارند. امارات و بحرین نیز می‌خواهند اقتصاد خود را فراتر از نفت تقویت کنند، صادرات خود را متنوع کنند و در عصر دیجیتال، اقتصادهای قوی‌تری داشته باشند. بنابراین این ترکیب، بسیار قدرتمند و مکمل یکدیگر است» (EricCanal & Narayanappa, 2021: 50).

یکی از نشانه‌های حرکت در چنین مسیری، همکاری سریع تجاری بین شرکت‌های رژیم صهیونیستی و اماراتی است. بر اساس آمار پورتال آنلاین، برای راه‌اندازی روابط تجاری رسمی بین دو کشور در ۴۵ روز اول بعد از اعلام روند عادی‌سازی، این سایت بیش از ۲۰۰۰ عضو را ثبت کرد. یکی از بنیان‌گذاران شورای مشترک تجاری امارات و رژیم صهیونیستی در این مورد توضیح می‌دهد

که «اماراتی‌ها به دنبال این هستند که ببینند چگونه می‌توانند به بازار اسرائیل نفوذ کنند؛ چه برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری، خرید کالاها و خدمات و فناوری، [یا] سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها. همین موضوعات در مورد اسرائیل نیز وجود دارد» (Fulton & Roie, 2021). این را نیز باید افزود که پیمان صلح امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی نه تنها اهداف استراتژیک یا اقتصادی خاصی دارد بلکه بخشی از مدل جدید این کشورها برای توسعه و نوسازی است. مثلاً امارات برنامه‌های توسعه بلندپروازانه و آرزوهای جهانی دارد که در چشم‌انداز امارات ۲۰۲۱ و استراتژی صدساله امارات ۲۰۷۱ تجسم یافته است که بر اساس آن، این کشور مشتاق ایجاد روابط با کشورهای توسعه‌یافته‌تر است. با توجه به برتری تکنولوژیکی رژیم صهیونیستی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، این کشور جایگاه مهمی در این راهبرد امارات متحده عربی پیدا کرده است. بنابراین، به نفع امارات نخواهد بود که این پیمان را صرفاً روی کاغذ نگه دارد یا با این توافق مانند «صلح سرد» مصر و اردن برخورد کند (Alsaied, 2020:10).

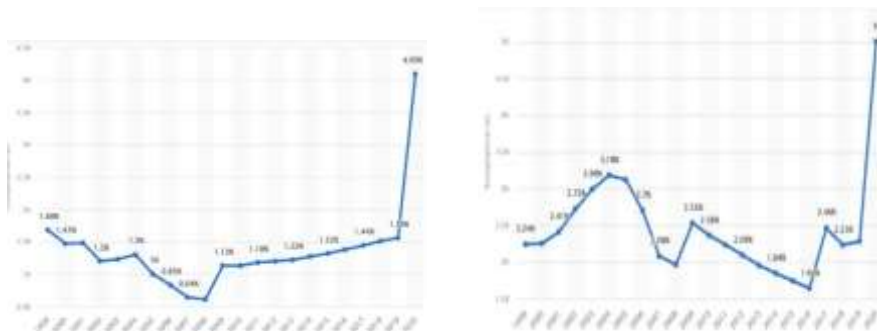
۴- مشکلات اقتصادی، فرصتی برای همکاری اقتصادی کشورهای عضو پیمان ابراهیم

شیوع پاندمی کووید-۱۹ در جهان، خسارات زیادی به بخش کسب‌وکار در کشورهای عربی وارد کرده و علاوه بر افزایش بیکاری، باعث از بین رفتن برخی از ظرفیت‌های اقتصادی این کشورها شده است. برآوردهای اولیه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای غرب آسیا^۱ نشان می‌دهد که تأثیر کووید-۱۹ بر اقتصاد منطقه عربی باعث شده تا ۴۲ میلیارد دلار از تولید ناخالص داخلی این کشورها کاهش پیدا کند. به‌طور میانگین، نرخ بیکاری در این منطقه به دلیل شیوع کووید-۱۹، ۱۲، ۱۹ درصد افزایش یافته که عمده این افراد از جوان بوده‌اند. این نشان می‌دهد که این منطقه، حداقل ۱،۷ میلیون شغل را از دست داده است. بر اساس برآوردها تا سال ۲۰۲۱ کسب‌وکارها در سراسر منطقه در حدود ۴۳۰ میلیارد دلار آمریکا زیان کرده‌اند که معادل از دست دادن ۸ درصد ثروت کل ثروت منطقه است (UNDP in the Arab State, 2021). دو شکل زیر، افزایش ناگهانی نرخ بیکاری در دو کشور امارات و بحرین را طی سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد.

1 ESCWA

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شکل ۱. نرخ بیکاری در امارات (۱۹۹۹-۲۰۲۰) شکل ۲. نرخ بیکاری در بحرین (۱۹۹۹-۲۰۲۰)



منبع: <https://www.statista.com>

اقتصاد امارات به مراتب بزرگ‌تر از اقتصاد بحرین است. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول^۱، امارات پس از عربستان دومین اقتصاد بزرگ خاورمیانه را دارد. در سال ۲۰۲۰ تولید ناخالص داخلی امارات ۳۵۸,۸۷ میلیارد دلار و تقریباً بیش از ۱۰ برابر تولید ناخالص داخلی بحرین (۳۴,۷۳ میلیارد دلار) بوده است. بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی^۲ در سال ۲۰۲۰، صادرات امارات ۳۰۶,۴۱ میلیارد دلار و بحرین ۱۴,۰۱ میلیارد دلار بوده است. صادرات امارات به مقاصد مختلف از جمله ایران بوده در حالی که صادرات بحرین تا حد زیادی به عربستان، امارات و آمریکا وابسته است. در حالی که نفت جزء اصلی در اقتصاد هر دو کشور است، امارات توانسته وابستگی خود به صادرات نفتی را کاهش دهد و سایر منابع درآمدی اعم از عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، گردشگری، بیمه و امور مالی را توسعه دهد. با این حال، بحرین نتوانسته اقتصاد خود را که همچنان به منابع طبیعی خود متکی است، متنوع کند. با اینکه اقتصاد امارات، متنوع‌تر است، این کشور هفتمین ذخایر بزرگ نفت جهان را دارد اما بحرین وابسته به نفت، در رده ۶۷ جهانی قرار دارد (Shmuel & Fadlon, 2020). علیرغم این تفاوت‌ها، این دو کشور نیازهای مشترکی به حمایت از جریان‌های جدید تجاری و سرمایه‌گذاری دارند و همین نیازها به‌خصوص در دوران پسا کرونا، پنجره فرصت را برای

1 International Monetary Fund

2 World Trade Organization

تنش‌زدایی میان رژیم صهیونیستی، امارات و بحرین باز نگه داشته و در عین حال کشورهای عرب خلیج فارس را تشویق می‌کند تا به رژیم صهیونیستی نزدیک شوند (Schatz, 2020). این نکته از آنجا مهم است که به گفته مقامات بحرینی، امضای توافق این کشور با رژیم صهیونیستی، بیشتر با هدف کسب حمایت اقتصادی و کمک‌های مالی بوده است. در واقع، چالش‌های اقتصادی بحرین در شرایط کاهش شدید قیمت جهانی نفت در دوران کرونا و ناکارآمدی حکومت در حل بحران اقتصادی بدون کمک‌های خارجی موجب شده تا بحرین به وعده‌های اقتصادی آمریکا، امارات و به‌خصوص رژیم صهیونیستی چشم داشته باشد؛ به‌خصوص که کسری بودجه دولت بحرین در آغاز شیوع کرونا، به‌شدت افزایش یافت و تا انتهای سال ۲۰۲۰، به ۲ برابر سال قبل از آن رسید. در همین راستا کسری تراز تجاری بحرین در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ به ۱,۲۹ میلیارد دلار رسید و بحرین برای عبور از این بحران اقتصادی به کمک سایر کشورها به‌خصوص رژیم صهیونیستی امید بسته است (امیدی، ۱۴:۱۳۹۹).

کاهش شدید قیمت جهانی نفت و کاهش ذخایر ارزی این دو کشور در طول دوران کرونا، امارات و بحرین را بیشتر ترغیب کرده تا به دنبال تنوع بخشیدن به اقتصاد خود باشند. امارات از سال‌ها پیش به‌عنوان بخشی از چشم‌انداز ۲۰۲۱ خود، این روند را در سطح فدرال با دور شدن از وابستگی گذشته خود به درآمدهای نفت و گاز، توسعه حوزه‌هایی مانند گردشگری، حمل‌ونقل هوایی، خدمات مالی و تولید انرژی‌های جایگزین را آغاز کرده که رونق ساخت‌وساز، توسعه پایگاه تولیدی و بخش خدمات پر رونق، تجارت بین‌الملل با پتانسیل اقتصادی روشن برای سرمایه‌گذاری‌های رژیم صهیونیستی و افزایش تجارت منطقه‌ای از اثرات آن بوده است (Schatz, 2020). بحرین نیز با اندکی تأخیر به نسبت امارات، در همین مسیر قدم می‌گذارد. این نکته نیز در خصوص رژیم صهیونیستی قابل ذکر است که همه‌گیری کووید ۱۹، رژیم صهیونیستی را نیز به یک رکود اقتصادی سوق داد. هرچند در سال ۲۰۲۰، نرخ بیکاری در رژیم صهیونیستی فقط ۱ درصد از سال قبل از آن افزایش یافته بود، اما برخی از مشاغل ابتدا به‌طور موقت به دلیل دستور دولت بسته شدند و سپس به دلیل مناسب نبودن شرایط بازار، برای همیشه تعطیل شدند و این، فشارهایی را به دولت وارد کرده تا این کشور مسیرهای جدیدی برای اشتغال‌زایی در پیش بگیرد (Humphries, 2020).

2021). افزایش تبادلات اقتصادی میان رژیم صهیونیستی و امارات و بحران، فرصت‌های مناسبی برای اشغال‌زایی و تقویت بانک‌های رژیم صهیونیستی خواهد داشت.

۵- ظرفیت‌های پیمان ابراهیم برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو

پیمان ابراهیم، ۱۶ زمینه همکاری رژیم صهیونیستی و امارات شامل محیط‌زیست، کشاورزی، امنیت آب و غذا و همچنین حوزه‌های تجاری مشخص‌تر مانند هوانوردی غیرنظامی، گردشگری، انرژی و علم و فناوری را فهرست می‌کند. علاوه بر این، این کشورها، تفاهم‌نامه‌های مکملی را نیز میان خود امضاء کرده‌اند. مثلاً در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰، رژیم صهیونیستی و بحرین ۸ یادداشت تفاهم تکمیلی را در مورد ارتقاء همکاری در حوزه‌های تجارت، هوانوردی غیرنظامی، مالی، مخابرات، فناوری اطلاعات، خدمات پستی، کشاورزی و امور خارجی امضا کردند. رژیم صهیونیستی و بحرین همچنین شرط ویزا برای دیپلمات‌ها را لغو کرده و تفاهم‌نامه همکاری بین اتاق‌های بازرگانی دو کشور را امضا کردند (Leichman, 2020). از زمان امضای پیمان ابراهیم، تحولات زیادی شامل مسافرت و پروازهای باری مستقیم، استفاده از بنادر یکدیگر توسط شرکت‌های کشتیرانی هر سه کشور، گشایش کانال‌های انتقال وجه توسط بانک‌ها، توافق اولیه تأسیس و گسترش خطوط لوله نفت دو کشور عربی پیمان ابراهیم به رژیم صهیونیستی، استقرار صندوق ابراهیم که یک صندوق توسعه مشترک ۳ میلیارد دلاری به منظور ارتقا اقتصاد منطقه است و موارد مختلف دیگر اتفاق افتاده است (EricCanal & Narayanappa, 2021: 43) که برخی از مهم‌ترین آنها در بخش‌های زیر مورد بررسی خواهند گرفت.

۵-۱- هوانوردی غیرنظامی

اعضای پیمان ابراهیم به اهمیت برقراری پروازهای مستقیم منظم بین کشورهای عضو برای مسافران و محموله‌ها به‌عنوان ابزاری ضروری برای توسعه و ارتقای روابط خود توجه داشته‌اند (Singer, 2021). پیش‌بینی می‌شود با برقراری پروازهای مستقیم، انتخاب بیشتری برای مسافران

آسیا و آفریقا ایجاد شود. خطوط هوایی ارزان قیمتی مانند فلای‌دبی^۱ و ایرعربیا^۲ نیز می‌توانند در افزایش ترافیک بین امارات و اسرائیل نقش داشته باشند (Sarmad, 2020). تنها چند ماه بعد از انعقاد پیمان ابراهیم، میلیاردی اماراتی خلف‌الحبطور که مالک یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های امارات یعنی شرکت گروه‌ال‌هپتور^۳ است، مذاکراتی را با یک شرکت هواپیمایی داخلی اسرائیلی یعنی شرکت هواپیمایی اسرایر^۴ برای افتتاح پروازهای تجاری مستقیم آغاز کرده بود (Schwartz, 2020) که در نهایت به امضاء یک قرارداد تجاری منجر شد.

در همین راستا در ۳۱ آگوست ۲۰۲۰، شرکت هواپیمای‌ال‌عال^۵ اولین پرواز مستقیم تجاری بین تل‌آویو و ابوظبی را انجام داد و پس از آن، اولین پرواز از اسرائیل به منامه در ۱۸ اکتبر انجام شد. طبق گزارش‌ها، اماراتی‌ها موافقت کردند که همه این پروازها از مبدأ و از مقصد رژیم صهیونیستی را مجاز اعلام کنند. علاوه بر آن، شرکت هواپیمایی اتحاد متعلق به کشور امارات، یک وب‌سایت عبری زبان را برای مشتریان علاقه‌مند به مسیر مستقیم تل‌آویو-ابوظبی راه‌اندازی کرده است. این‌گونه اقدامات به مسافران همه کشورها امکان می‌دهد که مسافت خود را تا اروپا و آسیای مرکزی، جنوبی و شرقی کوتاه کنند. یکی از احتمالات قابل توجه، احیای مسیرهای تجاری باستانی است که زمانی خاورمیانه را به سایر نقاط جهان متصل می‌کرد. آژانس رتبه‌بندی اس‌اند‌پی^۶ تأیید کرده که راه‌اندازی پروازهای تجاری مستقیم و ایجاد یک کریدور هوایی بین‌المللی می‌تواند همکاری بین کشورها را در زمینه‌های گردشگری، امنیت، مخابرات، فناوری، بهداشت، آموزش، خدمات مالی و کشاورزی به‌طور قابل توجهی افزایش دهد (Schatz, 2020).

شرکت‌های هواپیمایی امارات می‌توانند سفر تجار را از آسیا به رژیم صهیونیستی تسهیل کنند که تا همین اواخر مجبور بودند از طریق فرودگاه‌های اروپا به تل‌آویو پرواز کنند. همچنین، امارات به شرکت‌های رژیم صهیونیستی جهت گسترش تجارت در سراسر آسیا کمک خواهد کرد؛ تقریباً به همان روشی که سنگاپور در سال‌های گذشته این کار را انجام می‌داد. این امر احتمالاً موجب

1 Flydubai

2 Air Arabia

3 Al Habtoor Group

4 Israil Airlines Ltd

5 ELAL

6 S&P

ارتقاء همکاری و سرمایه‌گذاری چندجانبه بین طرفین خواهد شد (EricCanal & Narayanappa, 2021: 52). رژیم صهیونیستی و بحرین نیز پس از انعقاد پیمان ابراهیم، قراردادهایی برای پروازهای مستقیم هفتگی بین تل‌آویو و منامه، امضا کردند. بر طبق این قراردادها، دو کشور تا ۱۴ پرواز هفتگی بین فرودگاه‌ها را انجام می‌دهند. به‌طور کلی، این‌گونه قراردادها به ایجاد و گسترش روابط تجاری و گردشگری میان این هر سه کشور منجر خواهد شد (The Times of Israel, 2020).

۲-۵- گردشگری

بخش گردشگری بحرین به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تنوع بخشیدن به اقتصاد آن محسوب می‌شود. امارات نیز به‌طور پیوسته در حال توسعه بخش گردشگری خود بوده و کسب درآمد ۸۵ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۲۷ را از این صنعت پیش‌بینی کرده است. از این‌رو، کشورهای عضو پیمان ابراهیم تلاش می‌کنند تا رونق بخشی به حوزه گردشگری را در اولویت‌های کاری خود قرار دهند. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۹ اداره مرکزی آمار اسرائیل، ۴,۳ میلیون اسرائیلی یعنی نزدیک به نیمی از شهروندان این کشور، به خارج از کشور سفر کرده‌اند. با توجه به فرصتی که گردشگران اسرائیلی می‌توانند برای اقتصاد امارات و بحرین ایجاد کنند، ایجاد ۲۸ پرواز مسافری و ۱۰ پرواز باری برنامه‌ریزی شده هفتگی بین اسرائیل و امارات به همراه ۱۴ پرواز مستقیم هفتگی بین تل‌آویو و منامه که در تفاهم‌نامه‌های پس از پیمان ابراهیم مقرر شده، می‌تواند درآمد متنوعی را برای امارات و بحرین فراهم کند. بال کریشن رئیس شرکت سنچری فاینشال، یکی از شرکت‌های مشاوره مالی پیشرو در امارات، پیش‌بینی می‌کند که پس از توافق ابراهیم، سالانه بیش از ۵۰۰ هزار اسرائیلی برای گردشگری و تفریح به امارات سفر خواهند کرد (Schatz, 2020).

کشورهای عربی خلیج فارس نیز به‌نوبه خود ممکن است گردشگران زیادی داشته باشند که برای اهداف تجاری و مذهبی سفر می‌کنند از جمله زیارت مسجدالاقصی، سومین مکان مقدس در اسلام. از طرف دیگر، با توجه به علاقه اسرائیلی‌ها به سفرهای خارجی، گردشگری ممکن است به مزیت اصلی رژیم صهیونیستی برای امارات تبدیل شوند و در مقابل ممکن است امارات گردشگران خود را به اسرائیل بفرستد زیرا آنها مشابهه علایق مردم بسیاری از دیگر کشورهای عرب، می‌توانند برای

اهداف تجاری و مذهبی و بازدید به کشور اسرائیل سفر کنند. در اینجا نیز ممکن است این، مزیتی برای رژیم صهیونیستی باشد (Humphries, 2021).

۳-۵- علم، فناوری و نوآوری

رژیم صهیونیستی با سرانه استارت آپ‌ها، شرکت‌های فناوری و پیشرفت‌های علمی یکی از کشورهای نوآور جهان محسوب می‌شود. علیرغم جمعیت کم اسرائیل، این کشور از نظر سرانه هزینه تحقیق و توسعه در رتبه دوم جهان قرار دارد. این کشور همچنین بیش از ۹۰۰۰ شرکت فناوری فعال و استارت آپ در حوزه فناوری پیشرفته دارد (Ferziger & V, 2020). در حالی که اسرائیل از نظر منابع طبیعی فقیر است، از نظر فناوری پیشرفته و بیوتکنولوژی غنی است و در شاخص جهانی نوآوری بلومبرگ ۲۰۲۰، رتبه اول را برای شدت تحقیق و توسعه کسب کرده است. در این گزارش، ذکر شده که سومین سال متوالی است که رژیم صهیونیستی بیشتر از هر کشور دیگری در جهان، دارای سرانه بالا از نظر تعداد شرکت‌های نوپا با فناوری پیشرفته و سرانه سرمایه‌گذاری خطرپذیر است. نیروی کار خلاق، ماهر و چند فرهنگی این کشور باعث شده تا در گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۸)، رژیم صهیونیستی رتبه اول را در جهان از نظر ظرفیت نوآوری و کارآفرینی کسب کند (Schatz, 2020). حدود یک‌سوم کل صادرات رژیم صهیونیستی را می‌توان فناوری پیشرفته دانست و این سهم، با حذف صادرات مبتنی بر منابع تقریباً به نصف می‌رسد ولی همچنان سهم بسیار بالایی است (Hoog, 2021).

همین واقعیت‌ها، سبب جذاب شدن رژیم صهیونیستی برای کشورهای خاورمیانه شده و انگیزه این کشورها برای راه‌اندازی حوزه‌های کلیدی برای سرمایه‌گذاران از بخش‌های پزشکی و کشاورزی گرفته تا انرژی‌های تجدیدپذیر، بیوتکنولوژی و هوش مصنوعی به کمک شرکت‌های رژیم صهیونیستی را افزایش داده است. این موضوع برای امارات و بحرین مهم‌تر بوده چراکه این دو کشور (به‌خصوص امارات) بر رشد مبتنی بر نوآوری و تلاش‌های گسترده‌تر برای توسعه اقتصاد دانش‌محور از طریق تحول دیجیتال و ارتقای کارآفرینی تمرکز کرده‌اند. دفتر سرمایه‌گذاری ابوظبی برنامه‌ریزی کرده تا اولین پایگاه بین‌المللی خود در رژیم صهیونیستی را برای ترویج همکاری‌های نوآورمحور افتتاح کند. همراه با آمریکا، رژیم صهیونیستی و امارات صندوقی را راه‌اندازی کرده‌اند

که هدف آن جمع‌آوری ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خصوصی برای پروژه‌های توسعه در خاورمیانه است (Schatz, 2020).

قراردادهای جدیدی نیز در زمینه همکاری فنی توسط تعدادی از شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی منعقد شده است. تأسیس شرکت‌های تابعه تحت مالکیت در رژیم صهیونیستی و در امارات و بحرین یکی دیگر از برنامه‌های پیش‌روی این کشورهاست. در سال ۲۰۲۱، یک شرکت اماراتی با شرکت‌های رژیم صهیونیستی برای توسعه راه‌حل‌های فناورانه برای مبارزه با ویروس کرونا شراکت و ارتباط برقرار کرده بود. همچنین، شرکت خودروسازی موبایل‌آی اسرائیل با گروه ال‌هبتور مستقر در امارات برای ایجاد ناوگان تاکسی‌های رباتی خودران در دبی تا پایان سال ۲۰۲۲ تفاهم‌نامه همکاری امضا کرده‌اند. دانشگاه هوش مصنوعی محمدبن زاید^۲ و موسسه عالی علوم و ای‌زمن^۳ اسرائیل توافق‌نامه‌ای را برای پیشبرد توسعه و استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری برای پیشرفت امضا کردند. از نظر مقامات ارشد امارات (مانند حاکم دویبی)، هوش مصنوعی «نفت جدید» است. به نظر مقامات امارات و بحرین، اقتصاد دیجیتال منطقه به‌عنوان بزرگ‌ترین برگ برنده برای موفقیت در طول دهه ۲۰۲۰ خواهد بود (Schatz, 2020).

عبدالله بن طوق المری، وزیر اقتصاد امارات (۲۰۲۲) در این خصوص اظهار داشت که این پیمان نشان می‌دهد که انقلاب صنعتی چهارم (هوش مصنوعی، رباتیک، اینترنت اشیا، پرینت سه‌بعدی، محاسبات کوانتومی و فناوری نانو) که قبلاً تئوری بود، اکنون قابل اجرا هستند. سرمایه‌گذاری این توافق شامل کشورهای ثالث در آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی نیز می‌شود. استفاده حداکثری از فرصت‌های مشارکت با برخی از کشورهای آسیایی که گام‌های سریعی در این زمینه برداشته‌اند و تعامل آنها با امارات، بحرین و رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر مواردی هستند که با اجرایی شدن پیمان ابراهیم، احتمالاً سرعت بیشتری پیدا می‌کنند (EricCanal & Narayanappa, 2021).

(43)

1 Mobileye

2 MBZUAI

3 Weizmann

۵-۴- مالی و سرمایه‌گذاری

بر اساس مفاد پیمان ابراهیم، طرفین توافق باید برای تعمیق و گسترش سریع روابط و سرمایه‌گذاری دوجانبه در حوزه مالی، همکاری‌های لازم را انجام دهند. طرفین همچنین بر محافظت از سرمایه‌گذاران، مصرف‌کنندگان، یکپارچگی بازار و ثبات مالی و همچنین حفظ تمام مقررات و استانداردها با به رسمیت شناختن هدف مشترک برای پیشبرد توسعه اقتصادی منطقه‌ای و جریان کالا و خدمات تأکید کرده و تلاش خواهند کرد تا همکاری‌ها را در پروژه‌های استراتژیک زیربنایی منطقه‌ای ارتقا دهند و همین‌طور ایجاد یک گروه کاری چندجانبه برای پروژه «مسیر صلح منطقه‌ای» را در دستور کار خود قرار خواهند داد (Singer, 2021). به نظر بسیاری از تحلیلگران اندیشکده‌های غربی (مانند موسسه رند) تصمیم حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین برای پیوستن به امارات در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی به این معنی است که این کشور کوچک با استفاده از پتانسیل‌های داخلی و پیوندهای خارجی، در تلاش برای افزایش ظرفیت‌های خود برای تبدیل شدن به یک مرکز مالی پیش‌رو در منطقه است (Eric Canal & Narayanappa, 2021: 49). برای حرکت در این مسیر، نیاز است تا شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی در داخل این دو کشور فعال شوند. مقامات دولتی در رژیم صهیونیستی تخمین می‌زنند که بیش از ۵۰۰ شرکت اسرائیلی در امارات و تعداد محدودتری در بحرین فعالیت می‌کنند و برخی از مهم‌ترین شرکت‌های مالی رژیم صهیونیستی در میان این شرکت‌ها حضور دارند (Schwartz, 2020).

امارات به‌عنوان گامی دیگر در جهت استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی عادی‌سازی، تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیارد دلاری را برای بخش‌های استراتژیک در رژیم صهیونیستی اعلام کرد. خبرگزاری رسمی امارات اعلام کرد که این تصمیم پس از تماس تلفنی شیخ محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی و بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، اتخاذ شده است. از طریق این صندوق ۱۲ میلیارد دلاری، امارات در بخش‌هایی از جمله تولید انرژی، آب، فضا، مراقبت‌های بهداشتی و کشاورزی در کنار اسرائیل سرمایه‌گذاری خواهد کرد و هدف آن، تقویت روابط اقتصادی بین دو اقتصاد در حال رشد منطقه، باز کردن سرمایه‌گذاری‌ها و فرصت‌های مشارکت برای پیشبرد پیشرفت اقتصادی-اجتماعی هر دو کشور است. قرار است سرمایه‌گذاری‌های این صندوق هر دو بخش دولتی و بخش خصوصی را شامل شود (Shahwan, 2021).

۵-۵- الماس، صنایع دریایی و انرژی

در طول چند ماه اول پیمان ابراهیم، تجار الماس ساکن دبی و اسرائیل با هدف ایجاد روابط نزدیکتر، قراردادهایی امضا کرده‌اند. اگرچه هیچ کدام از این دو کشور، الماس را استخراج نمی‌کنند، اما هر دو در فروش الماس در جهان پیشرو هستند. صرافی‌های رژیم صهیونیستی، بزرگ‌ترین بورس در جهان هستند و دویی میزبان بزرگ‌ترین بازار معاملات الماس در جهان است. شرکت‌های اماراتی در دویی در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۳ میلیارد دلار و در اسرائیل حدود ۱۲ میلیارد دلار الماس معامله کرده‌اند که ۲۳ درصد از کل صادرات الماس در جهان را شامل می‌شود. این شرکت‌ها قصد دارند تا سال ۲۰۲۳ به بزرگ‌ترین فروشندگان الماس در جهان تبدیل شوند. برای رژیم صهیونیستی، فعالیت در این حوزه موجب پیوندهای نزدیک‌تر تجار این کشور با تجار هندی و از آن طریق، با بسیاری از تجار کشورهای می‌شود که هنوز روابط رسمی با دولت رژیم صهیونیستی ندارند. برای امارات نیز این قرارداد فرصتی مهم برای تحکیم موقعیت دویی در تجارت جهانی کالاهای گرانبها است (Schatz, 2020).

فعالین صنعت دریانوردی نیز در تلاش‌اند تا از ارتباطات شکل گرفته به دلیل پیمان ابراهیم میان نهادهای تجاری شاخص امارات و نهادهای تجاری مطرح رژیم صهیونیستی، بهره‌مند شوند. در سال ۲۰۲۰ و درست یک ماه بعد از پیمان ابراهیم، شرکت پورترز وُردل^۱ امارات یکی از بزرگ‌ترین اپراتورهای بندری جهان، قراردادی را با شرکت دوور^۲ اسرائیل برای خرید سهام خصوصی‌سازی بندر حیفا، بزرگ‌ترین بندر اسرائیل از نظر تناژ بار امضا کرد. همان زمان، شرکت مرسک-بی^۳، شرکت شماره یک کانتینری جهان نیز اعلام کرد که حمل و نقل محموله‌های اقیانوسی را بین امارات و اسرائیل آغاز خواهد کرد. به نظر می‌رسد که افزایش همکاری در کشتیرانی دریایی، زمینه لازم برای افزایش پتانسیل رقابت بین بندری، کاهش هزینه‌ها و ایجاد زیرساخت‌های تجاری و لجستیکی بین‌المللی پیشرفته را فراهم می‌کند (Schatz, 2020).

مهم‌تر از این دو حوزه، حوزه انرژی است. پیوندهای مشترک اقتصادی میان این دو کشور عرب با رژیم صهیونیستی نه تنها در سطح فناوری‌های پیشرفته در حال شکل‌گیری است بلکه این

1 Ports World
2 DoverTower
3MAERSK-B

همکاری‌ها برای صنایع مستقر در خلیج فارس و مهم‌ترین آنها یعنی بخش انرژی بسیار مهم است. رژیم صهیونیستی، با نفت محدود و منابع گاز طبیعی که برخی از آنها در سال‌های اخیر کشف شده‌اند، استارت‌آپ‌های متعددی از جمله در بخش خورشیدی ایجاد کرده است. در همین حال، امارات و بحرین در تلاش برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود، تلاش می‌کنند از تخصص رژیم صهیونیستی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کنند. این سه کشور می‌توانند از همکاری‌های رو به افزایش در بخش انرژی از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی بهره‌مند شوند زیرا آنها به‌طور مشترک و جداگانه به دنبال راه‌هایی برای نفوذ به بازار سراسر منطقه و فراتر از آن هستند. المری، وزیر اقتصاد امارات (۲۰۲۲) گفته است: امارات که صاحب دومین نیروگاه خورشیدی بزرگ جهان است، مشتاق همکاری با شرکت‌های اسرائیلی در زمینه انرژی‌های پاک از جمله نیروگاه‌های حرارتی خورشیدی، شبکه‌های برق هوشمند، سوخت‌های زیستی و نیروگاه‌های خورشیدی شناور است (Sarmad, 2020).

کشورهای جنوبی خلیج فارس از موقعیت جغرافیایی مناسبی برای تابش خورشید برخوردارند و قصد دارند سرمایه‌گذاری زیادی در انرژی خورشیدی انجام دهند. امارات در حال حاضر (۲۰۲۳) دارای بزرگ‌ترین پارک خورشیدی در جهان (پارک خورشیدی نور در ابوظبی، با تولید ۱,۲ گیگاوات ساعت) است و در حال ساخت ۲ پارک بزرگ‌تر است. الظفره (با تولید ۳,۲ گیگاوات ساعت در ابوظبی که اوایل سال ۲۰۲۳ (بهمن ۱۴۰۲) شروع به کار کرد) و پارک خورشیدی شیخ محمد بن راشد آل مکتوم (با تولید ۵ گیگاوات ساعت در دبی که قرار است در سال ۲۰۳۰ به پایان برسد) (Umera, 2021). به نظر محمد جمیل الرماحی مدیرعامل شرکت مصدر ۱، «امارات و اسرائیل در حال ایجاد دوره جدیدی از همکاری در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری پیشرفته هستند... و این قبیل همکاری‌ها، منطبق با اهداف ما برای انرژی پاک است» (Zaken, 2021).

پتانسیل توسعه تجارت انرژی در بخش‌های نفت و گاز طبیعی نیز برای اقتصادهای پیمان ابراهیم حیاتی است. با توجه به بحران انرژی در جهان در پی جنگ روسیه و اوکراین و همین‌طور پتانسیل دو کشور امارات و بحرین در زمینه نفت، گاز و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توان انتظار داشت که انرژی یکی از محورهای اصلی افزایش سطح روابط اقتصادی و سیاسی این کشورها در سال‌های

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

آینده باشد. برنامه رژیم صهیونیستی برای تبدیل شدن به صادرکننده بزرگ گاز و افزایش نقش این کشور در معادلات انرژی در دریای مدیترانه می‌تواند شرایط را برای حضور شرکت‌های انرژی امارات در میدان گازی رژیم صهیونیستی فراهم کند. مؤسسات مالی و اعتباری امارات و بحرین می‌توانند برای تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه‌های انرژی رژیم صهیونیستی اقدامات زیادی انجام دهند (شکری، ۱۳۹۹). در همین رابطه، شرکت سرمایه‌گذاری مبادله^۱ ابوظبی، در اوایل سال ۲۰۲۱ با سرمایه‌گذاری ۱ میلیارد دلاری، ۲۲ درصد از سهام میدان گاز طبیعی مدیترانه شرقی متعلق به شرکت حفاری دِلک^۲ اسرائیل را به دست آورد که بزرگ‌ترین معامله بین دو کشور تا سال ۲۰۲۱ بوده است (Gonen, 2021).

همین‌طور تا سال ۲۰۲۰، رژیم صهیونیستی ۴۰ درصد نفت مورد نیاز خود را از طریق خط لوله باکو-تفلیس-جیهان که آذربایجان، گرجستان و ترکیه را به هم متصل می‌کند، تأمین می‌کرده است. تأمین‌کنندگان دیگر شامل مکزیک، نروژ، آنگولا، مصر، اقلیم کردستان عراق، روسیه و قزاقستان بوده‌اند. با توجه به ملاحظات جغرافیایی و اقتصادی، امارات و بحرین می‌توانند منبع نزدیک‌تر و ارزان‌تری برای تأمین نیازهای انرژی رژیم صهیونیستی باشند. در یکی از مهم‌ترین همکاری‌ها، رژیم صهیونیستی و امارات قراردادی مقدماتی منعقد کرده‌اند که براساس آن، نفت خام امارات می‌تواند از طریق خط لوله رژیم صهیونیستی از دریای سرخ به مدیترانه و به بازارهای اروپایی ارسال شود؛ خط لوله‌ای که کارهای اولیه آن در زمان اتحاد رژیم صهیونیستی و ایران انجام شده بود و با استقرار نظام جمهوری اسلامی از بین رفت. این خط لوله به تولیدکنندگان و پالایشگاه‌های نفت، یک مجرای کوتاه و مقرون به‌صرفه برای نفت از خلیج فارس به غرب ارائه می‌دهد و دسترسی مصرف‌کنندگان در شرق دور به نفت تولید شده در نواحی مدیترانه و دریای سیاه را فراهم می‌کند (Schatz, 2020).

۶-۵- مراقبت‌های بهداشتی

در اواسط ماه اوت سال ۲۰۲۰، شرکت سرمایه‌گذاری ملی Apex امارات و شرکت TeraGroup اسرائیل قراردادی را برای توسعه یک دستگاه تست کرونا امضا کردند که در مدت

1 Mubadala

2 Delek Drilling

زمان کوتاه‌تری، نتایج دقیقی را ارائه می‌دهد (Sarmad, 2020). به نظر می‌رسد که طرفین پیمان ابراهیم از پیشرفت‌های حاصل شده در همکاری‌های مشترک در زمینه درمان ویروس کووید-۱۹ به عنوان نشانه‌ای از پتانسیل بالا برای همکاری در سایر حوزه‌های مراقبت‌های بهداشتی استفاده می‌کنند. آنان همچنین با درک اهمیت افزایش همکاری‌ها در زمینه‌های بهداشتی و پزشکی، در صدد توسعه همکاری‌ها در سایر شاخه‌های بهداشت از جمله در مواردی همچون آموزش پزشکی، آموزش و شبیه‌سازی، سلامت دیجیتال و نوآوری هوش مصنوعی در بخش بهداشت و مدیریت اورژانس هستند (Singer, 2021).

مروان ابراهیم ناصر، رئیس و مدیر عامل گروه مراقبت‌های بهداشتی ال تداوی، می‌گوید که با استفاده از مدل برون‌سپاری برای راه‌حل‌های پزشکی و استفاده از زیرساخت‌های پیشرفته دویی برای خدمات از راه دور، ما به دنبال کمک به اداره بهداشت دویی برای توسعه بیشتر سلامت امارات هستیم. توافقات با مراکز پیشرفته پزشکی اسرائیلی، باعث شده تا درها به روی همکاری‌های متعدد باز شود. این مسأله از آنجایی مهم است که در طول سال‌های اخیر، مقوله امنیت سلامت یکی از مهم‌ترین اهداف نظام حکمرانی در کشورهای امارات و بحرین بوده است. این سه کشور، در تدارک افزایش همکاری‌ها در حوزه بهداشت و سلامت هستند. از طریق استفاده از امکانات پیشرفته امارات و با تحقیقات پزشکی و پیشرفت‌های اخیر بخش مراقبت‌های بهداشتی بحرین، همکاری این دو کشور با رژیم صهیونیستی که دارای تخصص و دانش سازمانی بالایی در حوزه بهداشت و سلامت است، آنها در صدد ایجاد یک «مرکز بزرگ نوآورانه پزشکی» برای ارتقاء امنیت سلامت کشورهاشان از یک طرف و پیشرفت در کل سیستم‌های مراقبت بهداشتی منطقه از طرف دیگر هستند (Garson, 2021). روشن است که تقویت گردشگری سلامت و کسب درآمد از این طریق نیز می‌تواند از نتایج چنین اقداماتی باشد.

۶- گسترش همکاری‌های اقتصادی میان رژیم صهیونیستی و دیگر کشورهای منطقه

در سال‌های اخیر، تلاش رژیم صهیونیستی برای شکل دادن به همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، صرفاً منحصر به دو کشور امارات و بحرین نبوده است. در دیدگاه مسئولین دو کشور عربی پیمان ابراهیم نیز این پیمان، اقدامی مثبت برای کلیه کشورهای منطقه تصور می‌شود. المری، وزیر اقتصاد

امارات (۲۰۲۲) معتقد است که روابط تازه شکل گرفته بین دو اقتصاد نوآور، اقتصاد منطقه را تقویت خواهد کرد و این پیمان می‌تواند اثر سرریز قابل توجهی بر کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و اقتصاد جهانی داشته باشد (Schatz, 2020). در واقع اگر چه این پیمان نمایانگر یک پیشرفت سیاسی است، تحلیل‌ها نشان می‌دهند که به دلیل ظرفیت‌های اقتصادی این پیمان، احتمالاً بتواند مشوقی برای سایر کشورهای عربی جهت پیوستن به آن باشد؛ هدفی که رژیم صهیونیستی و احتمالاً امارات و بحرین با جدیت دنبال می‌کنند.

این انگیزه‌ها باعث شد تا دو کشور افریقایی-عربی مراکش و سودان نیز در سال ۲۰۲۰ توافقنامه‌هایی را برای عادی‌سازی روابطشان با رژیم صهیونیستی امضا کنند. این توافق‌ها به‌عنوان بخشی از پیمان ابراهیم و با میانجی‌گری دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا انجام شده بود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که منافع اقتصادی این پیمان برای شرکت‌های رژیم صهیونیستی، می‌تواند بسیار مهم باشد و تقریباً ۱۵۰۰۰۰ شغل جدید ایجاد کند. بر اساس برخی تخمین‌ها، اگر این توافقنامه شامل ۱۱ کشور شود، می‌تواند به ایجاد بیش از ۴ میلیون فرصت شغلی جدید در کل منطقه در طول یک دهه آینده منجر شود. در حال حاضر (۲۰۲۳) تعاملات اقتصادی دوجانبه، تازه آغاز شده و اقتصاددانان از چشم‌انداز تجارت و بازرگانی پیش‌بینی می‌کنند که منافع اقتصادی بین امارات و رژیم صهیونیستی، سالانه ۶٫۵ میلیارد دلار ارزش داشته باشد و در صورت گسترش این توافقات به سایر کشورهای منطقه، ارزش آن به ده‌ها میلیارد دلار برسد. در این مورد، دوریان باراک یکی از بنیان‌گذاران شورای تجاری امارات و رژیم صهیونیستی گفته است که ما در مسیر رسیدن به حداقل ۳ میلیارد دلار تجارت سالانه تا سال ۲۰۲۵ هستیم که برخی حتی بیشتر آن را تخمین می‌زنند که معادل ۱٫۰٪ تا ۱٫۵٪ از تولید ناخالص داخلی هر کشور است (Hoog, 2021). برای رژیم صهیونیستی، امارات و بحرین به‌عنوان دروازه‌ای به دیگر بازارهای منطقه از اقتصادهای بزرگ در جهان عرب گرفته تا هند، آسیای جنوبی و فراتر از آن است (Procter, 2021). مفاد این پیمان، مزایای بالقوه زیادی در قالب حذف موانع سرمایه‌گذاری، لغو ویزا و کاهش تعرفه‌ها ایجاد کرده که می‌تواند پیامدهای اقتصادی این پیمان را به همه کشورهایی که با سه طرف رژیم صهیونیستی، امارات و بحرین در ارتباط هستند گسترش دهد (Egle & Efron & Robinson, 2021).

نکته مهم دیگر اینکه تا پیش از پیمان ابراهیم و شکل‌گیری همکاری گسترده اقتصادی میان این سه کشور، خاورمیانه کمترین نرخ تجارت درون منطقه‌ای را در جهان داشت به طوری که تنها ۵ درصد از صادرات کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به همسایگان منطقه‌ای‌شان می‌رسید و هیچ چارچوب منطقه‌ای گسترده‌ای در خاورمیانه برای تقویت همکاری‌های اقتصادی وجود نداشت (Kram, 2020). مؤسسه تونی بلر برای تغییرات جهانی^۱ که یک سازمان غیرانتفاعی بریتانیایی امور مشاوره دولتی است، در یک مقاله تحقیقاتی نشان داده که کل تجارت رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی خلیج فارس، حدود ۱ میلیارد دلار است و بخش مهمی از این تجارت نیز در چند ماه اول پیمان ابراهیم اتفاق افتاده است (Schatz, 2020).

به دنبال عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با چندین کشور عربی در همین مدت کوتاه، تجارت بین رژیم صهیونیستی و کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۲۱ به میزان قابل توجهی سرعت گرفته است. به عنوان نمونه، شرکت کوفیس‌بدی^۲، بزرگ‌ترین گروه اطلاعات تجاری در اسرائیل، از مدیران ۲۳۰ شرکت اسرائیلی نظرسنجی کرد. ۸۲ درصد از آنها بر این باورند که این قراردادها تأثیر مثبتی بر تجارت آنها خواهد داشت. دو سوم از پاسخ‌دهندگان فعال بخش فناوری پیشرفته به دنبال فرصت‌های تجاری در امارات بودند و ۵۷ درصد در بخش تجارت گفتند که قصد دارند ظرف یک سال برای کشف فرصت‌های جدید به امارات سفر کنند (Schatz, 2020). شکل زیر بر اساس داده‌های اداره مرکزی آمار رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که در هفت ماهه اول سال ۲۰۲۱، تجارت این کشور با دو کشور امارات و بحرین نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۰، در حدود ۲۳۴ درصد رشد داشته است. بیشترین حجم تجارت مربوط به امارات بود که از ۵۰٫۸ میلیون دلار بین ژانویه تا جولای ۲۰۲۰ به ۶۱۳٫۹ میلیون دلار در مدت مشابه در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. بحرین که در هفت ماهه اول سال ۲۰۲۰ هیچ تجارتی با رژیم صهیونیستی نداشت، در سال ۲۰۲۱، تجارت با این کشور را با ۳۰۰ هزار دلار آغاز کرده است. تجارت رژیم صهیونیستی با چند کشور دیگر منطقه نیز افزایش یافته است. البته داده‌های ذکر شده شامل بخش‌های گردشگری و خدمات نمی‌شود.

1 Tony Blair Institute for Global Change

2 CofaceBdi

شکل ۳. تجارت خارجی اسرائیل با برخی کشورهای عربی (۲۰۲۰-۲۰۲۱)



منبع: <https://www.gov.il>

شکل های ۴ و ۵، تحلیل های صورت گرفته از منافع اقتصادی از قراردادهای آزاد تجاری دوجانبه بین رژیم صهیونیستی و هر یک از سه کشور امضاکنندگان فعلی این توافقنامه ها (به همراه دو کشور مراکش و سودان) در طول ۱۰ سال از سال ۲۰۱۹ به بعد را نشان می دهند. تخمین سود بالقوه برای رژیم صهیونیستی، ۴۶ میلیارد دلار فعالیت اقتصادی و ایجاد بیش از ۱۹۰۰۰ شغل جدید در طول یک دهه است. جمع حاصل از قراردادهای دوجانبه برای چهار کشور دیگر نیز در مجموع ایجاد ۴۶۰۰۰ شغل و ۲۴ میلیارد دلار فعالیت اقتصادی جدید خواهد بود. شکل ۵، مزایای بالقوه قراردادهای چندجانبه شامل هر ۳ شریک موجود در پیمان و ۲ شریک احتمالی را نشان می دهد. سود کل برای رژیم صهیونیستی در نتیجه افزایش هماهنگی تجاری در میان پنج شریک، تقریباً ۵۰ درصد افزایش می یابد و کل ارزش اقتصادی بالقوه (در طی ۱۰ سال آینده) می تواند به ۷۳ میلیارد دلار و ۳۰۰۰۰ شغل جدید افزایش یابد. برای شرکای رژیم صهیونیستی، سود کلی بیش از ۳ برابر می شود و مجموع اشتغالزایی بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر و ارزش کل اقتصادی بیش از ۷۵ میلیارد دلار خواهد بود (Egle & Efron & Robinson, 2021).

شکل ۴. پتانسیل اقتصادی روابط چندجانبه با اسرائیل | شکل ۵. پتانسیل اقتصادی روابط دوجانبه با اسرائیل

امضاکننده	تغییر در نرخ بیکاری	تعداد شغل های ایجاد شده	تغییر در GDP	فعالیت اقتصادی جدید
بحرین	0.8% → 0.6%	1,700	0.8%	\$1.8 میلیارد
اسرائیل	3.8% → 3.6%	18,100	2.3%	\$40 میلیارد
مراکش	8.0% → 8.9%	16,500	0.7%	\$4.5 میلیارد
سودان	16.8% → 16.5%	16,400	0.8%	\$0.7 میلیارد
امارات متحده عربی	2.4% → 2.2%	11,100	0.8%	\$17 میلیارد

امضاکننده	تغییر در نرخ بیکاری	تعداد شغل های ایجاد شده	تغییر در GDP	فعالیت اقتصادی جدید
بحرین	0.8% → 0.3%	4,600	2.3%	\$4.4 میلیارد
اسرائیل	3.8% → 3.1%	30,400	3.7%	\$73 میلیارد
مراکش	9.0% → 8.4%	67,400	3.0%	\$18 میلیارد
سودان	16.8% → 16.2%	48,100	2.2%	\$2.0 میلیارد
امارات متحده عربی	2.4% → 1.9%	32,700	2.4%	\$51 میلیارد

این فرصت‌های اقتصادی هم برای ۳ عضو پیمان ابراهیم و هم برای برخی دیگر از کشورهای منطقه، نکته‌ای است که به‌طور مکرر توسط مقامات کشورهای عضو پیمان بر روی آن تأکید می‌شود؛ موضوعی که در هیچ‌کدام از توافقنامه‌های قبلی وجود نداشت. به‌عنوان نمونه، گبی اشکنازی، رئیس سابق ستاد کل ارتش و وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی (۲۰۲۲) گفته بود: «توافق با امارات و بحرین، پل رسمی و باثباتی را برای سایر کشورهای عربی به‌ویژه پادشاهی‌های خلیج فارس باز می‌کند و امکان گشوده شدن بازارهای منطقه به روی همه کشورها را فراهم می‌کند و به‌طور بالقوه بازار صادراتی بزرگی را برای شرکت‌های اسرائیلی و دیگر کشورهای منطقه که قبلاً در دسترس نبودند، فراهم می‌کند» (Fulton & Roie, 2021).

نتیجه‌گیری

توان مالی بالا و نیازهای اقتصادی کشورهای امارات و بحرین از یک طرف و نیازهای مالی و امکانات و فناوری‌های رژیم صهیونیستی از طرف دیگر موجب شده تا این سه کشور در ذیل یک توافق سیاسی، درصدد گسترش روابط اقتصادی در یک بازی با حاصل جمع مثبت باشند. رژیم صهیونیستی علیرغم داشتن ظرفیت و برتری تکنولوژیکی، به دلیل تعارضات میان این کشور و برخی از کشورهای منطقه، امکان ورود به بازارهای اقتصادی و تجاری منطقه را نداشته اما با فرصت مناسبی که در آغاز دهه ۱۹۹۰ در منطقه پیش آمد، به‌صورت تدریجی این امکان را پیدا کرد تا در

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

ترتیبات اقتصادی منطقه وارد شده و به دنبال تسلط بر جهان عرب باشد. رژیم صهیونیستی در برنامه‌های آینده خود تمایل به بهره‌برداری از منابع طبیعی منطقه را نیز دارد. همه این‌ها با توافق ابراهیم امکان تحقق خواهند داشت.

هدف اعلام شده پیمان ابراهیم، ترویج گفت‌وگوی بین ادیان در راستای دستیابی به صلح، امنیت و رفاه در خاورمیانه است. جدا از اهداف سیاسی خاص تر (مثلاً ایجاد سفارتخانه‌ها)، پیمان ابراهیم با همکاری در سایر زمینه‌ها از جمله مالی و سرمایه‌گذاری، هوپیمایی، ویزا و خدمات کنسولی، نوآوری، تجارت و روابط اقتصادی، مراقبت‌های بهداشتی، زمینه تعاملات بیشتر را فراهم کرده است. علم، فناوری و استفاده صلح‌آمیز از فضا، گردشگری، فرهنگ و ورزش، انرژی، محیط‌زیست، آموزش، ترتیبات دریایی، مخابرات و پست، کشاورزی و امنیت غذایی و آب نیز از موارد دیگر همکاری می‌باشند.

امارات، بحرین و رژیم صهیونیستی در شرایطی که اقتصادهایشان از بحران کووید ۱۹ آسیب دیده، امیدوارند سود سریعی از توافق عادی‌سازی به دست آورند. در مدت بیش از یک سالی که از انعقاد این پیمان می‌گذرد، دو کشور امارات و بحرین مجموعه‌ای از توافقات تجاری، بانکی و بین‌دولتی را به همراه پایان تحریم طولانی‌مدت علیه رژیم صهیونیستی امضا کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این دو کشور به این جمع‌بندی رسیده‌اند که همکاری آنها با رژیم صهیونیستی، راه‌حل‌های مناسبی برای برخی از چالش‌های بزرگ منطقه از جمله در حوزه‌های آب، انرژی، توسعه صنعتی ناپایدار و تنوع پایین اقتصاد است. هرچند رژیم صهیونیستی نیز بر روی همکاری‌های گسترده اقتصادی با این دو کشور، حساب باز کرده، اما در مجموع، به نظر می‌رسد اولویت اول برای این کشور، منافع سیاسی و امنیتی توافق است. این تأییدی است بر این واقعیت، کشورهایی که دارای اقتصادهای توانمند هستند می‌توانند از پای قوی اقتصادی‌شان برای حل چالش‌های پای ضعیف سیاسی و امنیتی کشورشان استفاده کنند. با پیمان ابراهیم، خروج رژیم صهیونیستی از انزوای منطقه‌ای به مدد موقعیت برتر اقتصادی، سرعت گرفته است. کشورهای امارات و بحرین نیز به صورت آشکار و پنهان تلاش دارند از امکانات و ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی رژیم صهیونیستی در راستای نیازها و خلأهای خود استفاده کنند. مجموع این عوامل، باعث شده تا زمینه همکاری بیشتر بین کشورها

در خصوص مسائل اقتصادی در منطقه فراهم شود؛ امری که می‌تواند به ظهور همکاری‌های اقتصادی جدیدی منجر شود که توافق‌های سیاسی آینده، زمینه آنها را فراهم می‌کنند.

منابع و مأخذ

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و خوشگفت، حسن. (۱۳۹۶). بلوک‌های تجاری منطقه‌ای در خاورمیانه: بررسی چالش‌ها از منظر اقتصاد سیاسی. سیاست خارجی، (۴)، ۱۰۰-۷۷.
- اسماعیلی، مهدی. رجبی، سعید و متقی، افشین. (۱۴۰۰). تأثیر پیمان ابراهیم بر امنیت ملی ج.ا. ایران از منظر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی. امنیت پژوهی، (۷۵)، ۹۳-۷۳.
- امیدی، زینب. (۱۳۹۹). تحلیل اقدامات امارات متحده عربی و بحرین در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی. سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- رضائی، احمد و معین‌آبادی بیدگلی، حسین. (۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲ (۱)، ۲۶۵-۲۳۳.
- شکری، امید. (۱۳۹۹). خط لوله ایلات-اشکلون، کلید همکاری امارات و رژیم صهیونیستی در زمینه انرژی، ایندپندنت فارسی، بازیابی شده در ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ از: <https://b2n.ir/d28452>
- سلطانی، علیرضا و صادقی، سعید. (۱۳۹۵). تأثیر بحران مالی ۲۰۰۸ بر روند توسعه کشورهای جنوب شرق. پژوهش بین‌الملل، ۱ (۱۱)، ۲۵-۱.
- Alsaied, N. (2021). The Abraham Accords in the UAE, Middle East Center for Reporting and Analysis, Retrieved from; <https://b2n.ir/w37088>.
- Egle, D. & Efron, S. & Robinson, L. (2021). Widening the Economic Growth and Development Benefits of the Abraham Accords, RAND Corporation Provides Objective Research Services, Retrieved from: <https://b2n.ir/u39540>.
- EricCanal, F. & Narayanappa, A. (2021). The Abraham Accords: Exploring the Scope for Plurilateral Collaboration among Asia's Strategic Partners. *Israel Journal of Foreign Affairs*. 15.1, 41-52.
- Ferziger, J. & Bahgat, G. (2020). Israel's Growing Ties with the Gulf Arab States, Atlantic Council, available at: <https://b2n.ir/m98624>
- Fiore, M. (2020). The Abraham Accords and the Palestinian Issue, E-International Relations, available at: <https://b2n.ir/s48190>.
- Fulton, J. & Roie, V. (2021). UAE-Israel diplomatic normalization: a response to a turbulent Middle East region, Comparative Strategy, available at: <https://b2n.ir/y38457>.
- Garson, M. (2021). How the Abraham Accords Are Shaping a New Technological Covenant, institute.global, available at: <https://b2n.ir/h55595>.

- Gonen, Y. (2021). Israel's trade with UAE and other Arab states surged by 234 percent in 2021, TRT World, available at: <https://b2n.ir/m10389>.
- Hoog, N. (2021). Israel - UAE trade normalisation, Atradius - Managing Risk, Enabling Trade, available at: <https://b2n.ir/b55921>.
- Humphries, M. (2021). What can Israel and the UAE sell to each other? The Marketplace of Ideas at The Times of Israel, available at: <https://b2n.ir/w35915>.
- Kolaei, E. (2000). "Evolution in Convergence Theories, journal Faculty of Law and Political Science (University of Tehran). 48, 155-194
- Kram, J. (2020). The Business Impact of the Abraham Accords, U.S. Chamber of Commerce, available at: <https://b2n.ir/d98677>.
- Leichman, A.K. (2020), Israel and Bahrain sign off on 8 cooperative agreements, Israel21c - Uncovering Israel, available at: <https://b2n.ir/m85695>
- Procter, R. (2021). How the Abraham Accords have influenced Arab-Israeli relations, one year on, Arab news, available at: <https://b2n.ir/n78942>.
- Sarmad, Kh. (2020). UAE-Israel trade and investment prospects 'exciting' for both nations, economy minister says, the national newspaper, available at: <https://b2n.ir/w75836>.
- Schatz, D. (2020). The Abraham Accords: Politico-Economic Drivers and Opportunities, Trends Research & Advisory analyzes oport, available at: <https://b2n.ir/n42438>.
- Schwartz, F. (2020). Israel and U.A.E. Get Down to Business. Dow Jones Institutional News; New York. 21 Aug 2020.
- Shahwan, N. (2021). UAE and Israel: A normalization for economics. Daily sabah, available at: <https://b2n.ir/r22941>.
- Shmuel, E. & Fadlon, T. (2020). The Economic-Strategic Dimension of the Abraham Accords. INSS Insight, available at: <https://b2n.ir/g15895>
- Singer, J. (2021). The Abraham Accords: Normalization Agreements Signed by Israel with the U.A.E., Bahrain, Sudan, and Morocco. International Legal Materials
- Singer, J. (2021). The Abraham Accords: Normalization Agreements Signed by Israel with the U.A.E., Bahrain, Sudan, and Morocco. International Legal Materials
- The Times of Israel. (2020). Israel, Bahrain ink agreement. Available at: <https://b2n.ir/z62834>.
- Umera, A. & Coleman, J. (2021). The Abraham Accords and normalisation of relations with Israel. DWF Global Legal Business. available at: <https://b2n.ir/y61110>.
- UNDP in the Arab State. (2021). Arab countries respond to COVID-19. arabstates.undp.org. Available at: <https://b2n.ir/t99541>.
- World Bank. (2020). Fuel exports. Available at: <https://b2n.ir/p17448>
- Zaken, D. (2021). Emirati investors highly interested in Israeli high-tech agro-tech. al-monitor. Available at: <https://b2n.ir/h94523>.

